

جریانی از سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در ایران

حسین امیری* ، محمود نجفی نژاد**

سیده محدثه موسوی*** ، محمدحسین حسنی****

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۱۶

چکیده

در سال‌های اخیر با گسترش مدل‌های رشد درون‌زا، سرمایه انسانی و اجتماعی به‌عنوان عوامل اصلی رشد اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. در این راستا، سرمایه اجتماعی که مؤلفه اصلی آن اعتماد است جایگاه خاصی در مطالعات رشد پیدا کرده است. هدف مطالعه پیش‌رو بررسی رابطه بین رشد اقتصادی و سرمایه اجتماعی در ایران است. برای این منظور ارتباط بین نیروی کار، سرمایه فیزیکی، سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی بر روی رشد اقتصادی با استفاده از داده‌های مقطعی و برای استان‌های ایران بررسی شده است. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی در کنار سایر عوامل تولید، تأثیر معناداری بر رشد اقتصادی داشته است. همچنین به‌منظور پیش‌بینی و برنامه‌ریزی آتی در جهت بهبود و افزایش سطح سرمایه اجتماعی، به سنجش مدل سرمایه اجتماعی پرداخته شده است. از بین عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی، سن و اشتغال در بخش کشاورزی، حومه‌نشینی، نابرابری توزیع درآمد و مهاجرت، تأثیر معنادار و منفی بر سرمایه اجتماعی دارند در حالی که، آموزش، مشارکت زنان در نیروی کار، اشتغال در بخش صنعت و خدمات، مالکیت خانه و تشکیل خانواده، تأثیر مثبت و معنادار بر سرمایه اجتماعی دارند. با توجه به نتایج، پیشنهاد می‌شود که دولت ضمن پیش‌بینی سرمایه اجتماعی استان‌ها با توجه به عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی، برای بهبود آن در استان‌هایی با سطح پایین سرمایه اجتماعی، چاره‌جویی کند.

واژه‌های کلیدی: سرمایه اجتماعی، رشد اقتصادی، سرمایه انسانی، سرمایه فیزیکی، رفاه و توزیع درآمد

* استادیار اقتصاد و بانکداری اسلامی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). h.amiri@khu.ac.ir

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد اقتصاد انرژی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
mahmoodnajafi24@gmail.com

*** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد بانکداری اسلامی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
mosavi8145@gmail.com

**** دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، پردیس شهید بهشتی دانشگاه فرهنگیان زنجان، زنجان، ایران.
mhhasani@gmail.com

مقدمه

سرمایه فیزیکی با ایجاد تغییرات در مواد، جهت شکل دادن به ابزارهایی که تولید را تسهیل می‌کند، به وجود می‌آید و از جنبه‌ای ملموس و قابل مشاهده برخوردار است. از طرف دیگر سرمایه انسانی با تغییر دادن افراد برای کسب مهارت و توانایی پدید می‌آید و افراد را توانا می‌سازد که به شیوه‌های جدید رفتار کنند و بنابراین کمتر ملموس بوده و در مهارت‌ها و دانشی که فرد کسب کرده، تجسم می‌یابد. سرمایه اجتماعی، حتی کمتر از این ملموس بوده و در روابط میان افراد تجسم می‌یابد. سرمایه اجتماعی زمانی به وجود می‌آید که روابط میان افراد به شیوه‌ای دگرگون شود که کنش را تسهیل نماید. با توجه به ارتباط نزدیک بین انباشت انواع سرمایه و رشد اقتصادی، ارتباط بین این متغیرها، می‌تواند در تبیین سیاست‌های دولت کمک مؤثری کند.

در دیدگاه‌های سنتی، سرمایه فیزیکی و نیروی انسانی مهم‌ترین نقش را در زمینه توسعه ایفا می‌کردند، اما در عصر حاضر برای توسعه، بیشتر از آنچه که نیازمند سرمایه فیزیکی و انسانی باشیم، به سرمایه اجتماعی نیازمندیم، زیرا بدون سرمایه اجتماعی، استفاده از دیگر سرمایه‌ها به‌طور بهینه انجام نخواهد شد. از این رو موضوع سرمایه اجتماعی به‌عنوان یک اصل محوری برای دستیابی به توسعه و رفاه اجتماعی محسوب می‌شود. به نظر اقتصاددانان مهم‌ترین نقش سرمایه اجتماعی در توسعه، نقشی است که این سرمایه در کاهش هزینه‌های مبادلاتی دارد. هزینه‌های مبادلاتی، هزینه‌های مربوط به برقراری تعامل و رابطه بین کنشگران اجتماعی می‌باشند. در جایی که هزینه‌های مبادلاتی در سطح بالایی قرار دارند، امکان تبادل و کنش اقتصادی در سطح پایینی قرار خواهد داشت (یعنی جایی که سرمایه اجتماعی وجود ندارد یا ضعیف است) (موسوی و زارع، ۱۳۹۵: ۱۱۰). با افزایش سرمایه اجتماعی از میزان هزینه‌های مبادلاتی کاسته می‌شود و کنش‌های اجتماعی و اقتصادی تسهیل می‌شوند و رونق بیشتری به خود

می‌گیرند، زیرا سرمایه اجتماعی منبع کنش جمعی است و کیفیت روابط اجتماعی در هر جامعه‌ای بیانگر چگونگی سرمایه اجتماعی آن جامعه است (تاج‌بخش، ۱۳۸۲: ۱۶۰).

تجزیه و تحلیل عوامل تعیین‌کننده سرمایه اجتماعی، در مسیر دستیابی به ابزارهایی برای بازسازی هنجارها و شبکه‌های اعتماد و همکاری در جهت رفاه اجتماعی می‌تواند کمک‌کننده باشد. این امر در حل این مسئله که چگونه یک منطقه با سطح پایینی از اعتماد و نهادهای مدنی می‌تواند سهم سرمایه اجتماعی‌اش را بازسازی و فعالیت گروه‌های منفعت‌طلب را با هنجارهای عمومی و شبکه‌های همکاری متقابل، اعتماد و همکاری جایگزین کند، کمک‌کننده است. اهمیت علمی این مسئله به‌ویژه در کشورها و مناطقی که سرمایه اجتماعی نسبتاً کمی دارند، مشهود است (Christoforou, 2010: 198).

پرسش اصلی این پژوهش عبارت است از این‌که که چه عواملی بر سرمایه اجتماعی مؤثرند و سرمایه اجتماعی چه ارتباطی با رشد و توسعه اقتصادی دارد؟ برای این منظور، ابتدا شاخص‌های سرمایه اجتماعی در سطح استان‌های ایران، بررسی، سپس به معرفی عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی پرداخته و در نهایت ارتباط این مجموعه با رشد اقتصادی بیان می‌شود. همچنین با استفاده از داده‌های مرکز آمار ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، اطلاعات مربوط به عوامل شکل‌دهنده سرمایه اجتماعی، شاخص‌های سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی برای ۳۱ استان ایران به تفکیک استخراج خواهد شد. برای این منظور در بخش دوم پژوهش، مبانی نظری و عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در بخش سوم پیشینه پژوهش به تفکیک داخلی و خارجی بررسی می‌شود. در بخش چهارم به تجزیه و تحلیل نتایج پرداخته می‌شود و بخش آخر به نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها اختصاص دارد.

چارچوب نظری پژوهش

پیدایش فردگرایی توأم با تحولات تاریخی که به استقرار مدرنیته و صنعتی شدن جوامع انجامید، تأثیر عمیقی بر رشد و تکوین اندیشه اجتماعی داشت و فهم پیامدها و دلالت‌های این پدیده از دغدغه‌های اصلی پیشگامان جامعه‌شناسی بوده است. در پی تک‌قطبی شدن و گسترش نئولیبرالیسم، مسئله "بازگشت فردگرایی" و نگرانی از تهدید نفع‌طلبی‌های خودخواهانه و فردگرا، کاهش تعهدات شهروندی و مسئولیت اجتماعی، شخصی شدن گفتمان‌ها و پروژه‌های زندگی و به تعبیری از دست دادن تدریجی زبان مشترک، باعث توجه مجدد به مسئله عمل جمعی در حوزه عمومی، رفتارها و گرایش‌های آن و از جمله رفتارهای داوطلبانه و دگرخواهانه شده است.

ضرورت بیان مفهوم سرمایه اجتماعی برای اولین بار توسط هانیفان^۱ (۱۹۱۶) سرپرست وقت مدرسه ویرجینیای غربی، در توضیح اهمیت مشارکت در تقویت مشارکت جمعی مدرسه احساس شد. وی در توضیح سرمایه اجتماعی می‌گوید: "چیزی ملموس که بیشترین آثار را در زندگی روزمره مردم دارد، حسن نیت، رفاقت، همدلی و معاشرت اجتماعی در بین افراد و خانواده‌هاست که سازنده واحد اجتماعی‌اند. اگر کسی با همسایه‌اش، همسایه‌اش با همسایگان دیگر ارتباط داشته باشند، حجمی از سرمایه اجتماعی انباشته خواهد شد که ممکن است بلافاصله نیازهای اجتماعی را برآورده سازد و شاید حاصل، ظرفیت اجتماعی بالقوه‌ای باشد که برای بهبود اساسی شرایط زندگی کل جامعه کفایت کند".

پس از هانیفان اندیشه سرمایه اجتماعی تا چندین دهه ناپدید می‌شود؛ تا آنکه سیلورمن^۲ (۱۹۳۵) در مقاله خود با عنوان "جوهر اصلی اقتصادها"، به سرمایه اجتماعی اشاره نمود. در دهه ۱۹۵۰ نیز گروهی از جامعه‌شناسان شهری کانادا (الکین^۳، ۱۹۵۶) و

1. Hanifan
2. Silverman
3. Elkin

در دهه ۱۹۶۰ یک نظریه پرداز مبادله (هومانس و بیهیویر^۱، ۱۹۶۱) و یک استاد مسائل شهری (جاکويز^۲، ۱۹۶۱) آنرا دوباره احیا کردند. جاکويز (۱۹۶۱) در کتاب "مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی" سرمایه اجتماعی را به عنوان شبکه های فشرده در محدوده های حومه قدیمی و مختلط شهری دانسته که در ارتباط با حفظ نظافت، عدم وجود جرم و جنایت خیابانی و دیگر تصمیمات در مورد بهبود کیفیت زندگی - در مقایسه با عوامل نهادی رسمی مانند: نیروهای حفاظتی پلیس و نیروهای انتظامی - مسئولیت بیشتری را از خود نشان می دهند. از این پس سرمایه اجتماعی جای خود را در بسیاری از رشته های علوم انسانی باز کرد و به وسیله مطالعات بزرگان و اندیشمندان علوم اجتماعی، علوم سیاسی و اقتصاد مورد استفاده قرار گرفت و روند مفهوم سازی آن طی شد (رنانی و مؤید فر، ۱۳۸۷: ۱۸۵).

سرمایه اجتماعی یک وضعیت کیفی را توصیف می کند که بر جامعه و روابط بین افراد و گروه ها حاکم است. وجود این فضا، روابط بین افراد را تسهیل کرده و اعتماد بین آنها را بهبود می بخشد. در حقیقت سرمایه اجتماعی اشاره به مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش های غیررسمی دارد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون بین آنها مجاز است، در آن سهم هستند. کاهش سرمایه اجتماعی به معنی کاهش اعتماد است که هزینه های معاملاتی را به شدت افزایش می دهد. به عنوان مثال برای خرید یک کالا مجبورید ساعت ها وقت صرف کنید یا با فروشنده بر سر قیمت چانه زنی کنید، زیرا شما اعتماد ندارید که فروشنده قیمت واقعی را اعلام می کند و فروشنده نیز چون اعتماد ندارد که خریدار قیمت واقعی را بپردازد، او نیز قیمت بالاتری را اعلام می کند. بنابراین حتی برای اجرای قراردادهای نوشته شده نیز نیاز به صرف هزینه های گزاف خواهد بود (سوری، ۱۳۸۳: ۲۱۵).

سرمایه اجتماعی علاوه بر اثراتی که در بُعد جامعه‌شناسی دارد، در بُعد اقتصادی نیز تأثیرات زیادی دارد. در بُعد اقتصادی، رشد اقتصادی به منابع طبیعی، تمرکز سرمایه، سازمان تولید، پیشرفت‌های تکنولوژیک، تقسیم‌کار و مقیاس تولید و تغییرات زیربنایی بستگی دارد. رشد اقتصادی بدون تغییر و تحول در عوامل غیراقتصادی از قبیل سازمان‌دهی اجتماعی، شرایط سیاسی، عوامل انسانی و ارزش‌های اخلاقی ناممکن است. مطالعات داخلی و خارجی بیانگر این مطلب‌اند که سطح سرمایه اجتماعی کشورها، یک فاکتور مهم در توضیح الگوهای رشد بلندمدت است، اما سؤالی که در این راستا مطرح می‌شود این است که مکانیسم‌های ارتباط‌دهنده رشد اقتصادی و سرمایه اجتماعی کدام‌اند؟

گلیسر و اسپینکمن^۱ (۲۰۰۰) تأکید می‌کنند هنجارهایی که موجب رد منافع شخصی می‌شوند، تقویت‌کننده اعتماد هستند و این ایده را که افراد باید در جهت منافع گروهی برای حل مشکلات جمعی حرکت کنند، تقویت می‌کنند. در نتیجه کانال اصلی مکانیزم اثرگذاری این است که سرمایه اجتماعی به طور مستقیم هزینه‌های دادوستد را کاهش می‌دهد و با افزایش سرمایه‌گذاری در آموزش و سرمایه فیزیکی، بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد. برخی مطالعات نیز سرمایه اجتماعی را به‌عنوان فاکتور تعیین‌کننده تفاوت در نرخ رشد اقتصادی کشورها می‌دانند.

در سطح خرد که روابط میان افراد جامعه با هم بررسی می‌شود، کیفیت بالای سرمایه اجتماعی از دو طریق اثرگذار است، یکی از طریق روابط غیررسمی که در میان اعضای خانواده، دوستان و آشنایان حاکم است و باعث بالا رفتن کیفیت سرمایه‌های انسانی می‌شود و دیگری از طریق بهبود روابط تعمیم‌یافته، که به کیفیت روابط میان افراد غیرنزدیک و ناآشنا بستگی دارد. کیفیت بالای سرمایه اجتماعی در روابط تعمیم‌یافته، قابلیت پیش‌بینی رفتارها را بالا می‌برد و انعقاد قرارداد و اجرای

سرمایه‌گذاری را با کاهش هزینه‌های مبادلاتی، آسان می‌کند. در سطوح میانی و کلان نیز سرمایه اجتماعی به ترتیب با افزایش قدرت بنگاه‌ها در ارائه نوآوری‌های اقتصادی و بالا بردن کیفیت نظام حقوقی، به توسعه اقتصادی کمک می‌کند (علمی و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۳۰).

به‌طور کلی سرمایه اجتماعی شامل مؤلفه‌های متعددی است و نیازمند یک استراتژی قابل اندازه‌گیری در مقیاس وسیع است. از این منظر سرمایه اجتماعی ساختاری نظری دارد که مستقیماً قابل مشاهده نیست و بنابراین مستقیماً قابل اندازه‌گیری نیست. با این حال سرمایه اجتماعی، وضعیتی ساختاری است که انتظار می‌رود متغیرها یا شاخصه‌های مشاهده‌شده را تحت تأثیر قرار دهد و همچنین از این مؤلفه‌ها تأثیر بپذیرد. از این رو تلاش می‌شود با توجه به مطالعات صورت گرفته در این زمینه، مهم‌ترین مؤلفه‌ها و نماگرهای سرمایه اجتماعی به‌عنوان نخستین گام به‌منظور عملیاتی کردن مفهوم سرمایه اجتماعی، تبیین گردند.

- تنوع (تقسیمات) قومی

پاتنام^۱ (۱۹۹۵) معتقد است که تنوع قومی می‌تواند موجب فرسایش سرمایه اجتماعی شود. آلسینا و همکاران^۲ (۱۹۹۹) با استفاده از داده‌های پرسشنامه‌ای آمریکا، دریافته‌اند که میزان حضور افراد در فعالیت‌های مشارکتی در مناطق چندملیتی به طور قابل ملاحظه‌ای نسبت به مناطق یکنواخت قومی، کمتر است. آن‌ها به‌منظور اندازه‌گیری این عامل از شاخص تجزیه قومی استفاده کردند. این شاخص احتمال این‌که دو نفر از یک منطقه، به‌طور تصادفی به گروه‌های مختلف قومی تعلق داشته باشند را اندازه‌گیری می‌کند و به‌صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$ef = 1 - \sum_i (Race_i)^2 \quad (1)$$

-
1. Putnam
 2. Alesina et al

که در آن ef شاخص تجزیه قومی و $Race$ سهم هرکدام از قومیت‌ها از کل جمعیت را نشان می‌دهد.

- نابرابری توزیع درآمد

درآمد و دستمزدهای پایین ممکن است افراد را به سمت ساعت‌های کاری بیشتر برای کسب درآمد اضافی سوق دهد و برای آنها ساعات کمتری به‌منظور مشارکت اجتماعی، کنار بگذارد. نابرابری زیاد توزیع درآمد، سطح سرمایه اجتماعی را کاهش می‌دهد. هنگامی که درآمد کل به‌صورت نامتوازن توزیع می‌شود، ممکن است به افراد این حس دست بدهد که از جانب دیگران مورد استثمار قرار گرفته‌اند و بنابراین از میزان اعتمادشان نسبت به همتایانشان کاسته شود. مشارکت در فعالیت‌های مختلف در مناطقی با توزیع نامتوازن درآمد، پایین‌تر است. بر اساس مطالعه آلسینا و لافرارا^۱ (۱۹۹۹) از نسبت میانگین درآمد خانوار به میانگین درآمد کل منطقه، برای اندازه‌گیری نابرابری توزیع درآمد استفاده می‌شود.

- آموزش

آموزش اغلب به‌عنوان عاملی کلیدی در تعیین نگرش و رفتار مردم شناخته می‌شود. رابطه مثبت بین سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی توسط مطالعات مختلفی به اثبات رسیده است (Putnam, 1995: 680; Putnam, 1993: 11; Glaeser et al, 2000: 820). طبق گفته پاتنام (۱۹۹۵) آموزش قوی‌ترین عامل برای مشارکت مدنی در تمام اشکال آن شامل اعتماد اجتماعی و عضویت در انواع مختلف گروه‌ها است. در سطح جامعه، سطح تحصیلات عالی ممکن است سبب مشارکت مدنی بیشتر در جامعه شود. برای محاسبه این عامل، درصد جمعیت ۲۵ ساله یا بزرگ‌تر، در نظر گرفته می‌شود.

- پیوستگی جامعه

مهاجرت، سطح سرمایه اجتماعی جامعه را کاهش می‌دهد (Glaeser et al, 2003: 12; Schiff, 1999: 830). مهاجرت به تضعیف شبکه‌ها و انجمن‌های محلی منجر می‌شود، زیرا اعضای قدیمی از آنجا رفته و به دلیل کم بودن اعتماد و صمیمیت بین اعضای قدیمی و اعضای جدید، اعضای ثابت زیان می‌بینند. پاتنام (۱۹۹۳) بیان می‌کند که "تحرك مانند برداشت مکرر گیاهان، منجر به ایجاد اختلال در ریشه می‌شود و زمان زیادی برای بهبود دوباره آن بایستی صرف شود". مشارکت نداشتن در فعالیت‌های اجتماعی و عدم اعتماد، مانع جذب فرد در چارچوب‌های اجتماعی می‌گردد. در این صورت فرد احساس می‌کند که هیچ فصل مشترکی با ارزش‌های فردی و اجتماعی‌اش وجود ندارد و نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی بی‌تفاوت و بی‌اعتماد می‌شود (کاهش یکپارچگی اجتماعی). بنابراین احساس می‌کند که سرنوشت اجتماع به نیروها یا ساختارهای خارجی مربوط است نه به اجزای تشکیل‌دهنده اجتماع و برای اجتماع توان بالقوه‌ای در مسیر تکاملی خود قائل نیست (کاهش شکوفایی اجتماعی).

با این تفکر شخص احساس می‌کند که جامعه آن‌قدر پیچیده است که نمی‌توان آن را فهمید و آینده را پیش‌بینی کرد (کاهش پیوستگی اجتماعی) و بنابراین نگرش مثبت خود را نسبت به اجتماع و حتی افراد آن جامعه از دست می‌دهد (کاهش پذیرش اجتماعی). وقتی که نگرش‌های یادشده در فرد ایجاد شد، فرد کارآیی خود را از دست می‌دهد و احساس می‌کند که نقش مهمی در پیشرفت و آینده جامعه نمی‌تواند داشته باشد (کاهش سهم‌داشت اجتماعی) و در نهایت سلامت اجتماعی فرد کاهش می‌یابد و نتیجه آن تعارض شخصیت، اختلال در رفتارهای اجتماعی و گسترش فساد و ناهنجاری‌های اجتماعی، بزهکاری و ... می‌شود. بنابراین سلامت اجتماعی عامل مهمی در پذیرش هنجارهای اجتماعی است که فرد را قادر به تعادل مثبت و اجتناب از پاسخ‌های نامطلوب می‌کند. افرادی که از سلامت اجتماعی برخوردارند می‌توانند با

چالش‌های زندگی اجتماعی روبرو شوند و با آنها مقابله نمایند و عملکرد بهتری در جامعه داشته باشند (شربتیان و ایمنی، ۱۳۹۶: ۱۱۰).

- تغییر نقش زنان

سطح سرمایه اجتماعی در بین زنانی که همسر و مادر هستند، بالاست. این گروه از زنان با مشارکت در گروه‌های مذهبی، بازدید از دوستان و اقوام، در سرمایه اجتماعی سرمایه‌گذاری می‌کنند. همچنین افزایش نرخ مشارکت زنان در نیروی کار ممکن است در کاهش سرمایه اجتماعی نسل‌های گذشته نقش داشته باشد (Putnam, 1995: ۶۲۳). از سویی دیگر مشارکت زنان در نیروی کار ممکن است مشارکت زنان در فعالیت‌های گروهی را افزایش دهد.

- ازدواج و خانواده

فروپاشی واحد سنتی خانواده، تأثیر منفی بر تولید سرمایه اجتماعی دارد. پیامدهای احتمالی این فروپاشی شامل حمایت و بررسی‌های کمتر والدین از وضعیت تحصیلی و مراقبت‌های بهداشتی کودکان است. مردان و زنان متأهل بعضی وجوه سرمایه اجتماعی را افزایش می‌دهند و افراد مجرد به طور معناداری فعالیت‌های مدنی کمتری نسبت به متأهلین دارند (Putnam, 1995: 635). در رابطه با فرزندداری اعتقاد بر این است که فعالیت‌های پرورش کودکان، اثر منفی بر سرمایه اجتماعی دارند، زیرا این‌گونه فعالیت‌ها زمان بر هستند (Alsina et al, 2000: 1251). از سوی دیگر داشتن فرزند می‌تواند خانواده را درگیر فعالیت‌های اجتماعی بیشتر مانند احزاب، پیک نیک و ترویج تعاملات خانوادگی کند.

- سن

پاتنام (۱۹۹۵) بر این عقیده است که در بین افراد مسن سطح مشارکت اجتماعی بالاتر است.

- حومه شهر

کلان شهرها نسبت به شهرهای کوچک و مناطق روستایی، فعالیت‌های مشارکتی و همبستگی کمتری دارند. در نقطه مقابل این دیدگاه بیان می‌شود که در مناطق روستایی، جایی که تراکم جمعیت کم است، رفتارهای جمعی برای فراهم کردن خدمات اساسی ضروری است (Glaeser et al, 2000: 815).

به دلیل وجود انبوهی از مسائل و مشکلات و ویژگی‌های خاص در مناطق حاشیه‌ای، احساس امنیت اجتماعی، اعتماد، مشارکت، روابط اجتماعی، کنترل اجتماعی و... در سطح بسیار پایینی است و در نتیجه از سرمایه اجتماعی کمتری برخوردارند (تاج‌بخش، ۱۳۸۲: ۱۷۱). پاتنام (۱۹۹۵) سه دلیل برای تأثیر منفی حاشیه‌نشینی بر سرمایه اجتماعی مطرح می‌کند:

۱- حومه‌نشینی و حاشیه‌نشینی میزان زیادی از وقت افراد را به خود اختصاص می‌دهد؛ بنابراین فرصت کمتری برای ملاقات با دوستان و همسایگان و نشست‌های عمومی پیدا می‌شود. ۲- پراکندگی، حومه‌نشینی و حاشیه‌نشینی باعث افزایش تفکیک اجتماعی می‌شود و ناهمگونی اجتماعی باعث کاهش انگیزه‌های مشارکت مدنی می‌شود و شبکه‌های اجتماعی در بین خطوط نژادی و طبقاتی محدود می‌گردند؛ بنابراین پراکندگی و حاشیه‌نشینی به‌عنوان مکانیسمی علیه سرمایه اجتماعی میان‌گروهی عمل می‌کند. ۳- پراکندگی و حاشیه‌نشینی باعث از بین رفتن همبستگی درونی اجتماع (به‌واسطه محل زندگی از محل کار) می‌شود.

- نوع اشتغال

درجه اجتماعی بودن افراد، بر اساس نوع شغل آنها متفاوت است. افزایش میزان اجتماعی بودن مهارت‌های شغلی سبب افزایش سرمایه اجتماعی می‌شود (Glaeser et al, 2000: 817).

- مالکیت خانه

سرمایه اجتماعی رابطه‌ای قوی با مالکیت خانه دارد (Glaeser et al, 2000: 834). صاحبان خانه برای محافظت از سرمایه‌گذاری‌های خود، برای بهبود جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، دارای انگیزه هستند (DiPasquale and Glaeser, 1999: 362).

پیشینه پژوهش

تردید وجود ندارد که سرمایه اجتماعی رابطه معنی‌داری با رشد و توسعه اقتصادی دارد؛ زیرا عناصر، مؤلفه‌ها و ابعاد سرمایه اجتماعی در موارد زیادی حداقل نقش بسترسازی و عناصر پسماند توسعه را ایفا می‌کنند. برای نمونه گسترش و استحکام سرمایه اجتماعی موجب می‌شود بازارهای مالی بهبود یابند. همچنین، توسعه مالی را موتور رشد اقتصادی می‌دانند که شرط لازم توسعه است. وجود امنیت، استحکام حقوق مالکیت، اعتماد متقابل، توجه به مقررات، شفافیت در گزارش‌های اقتصادی و مالی از عناصر زیرساختی توسعه است که با سرمایه اجتماعی ارتباط معنی‌داری دارد. در ادامه برخی از مطالعات صورت گرفته در مورد نقش و تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی، آورده شده است.

- مطالعات داخلی

علیزاده و افسری (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان "تأثیر آموزه‌های اعتقادی و اخلاقی اسلام بر سرمایه اجتماعی مسلمانان جهان (با تأکید بر شاخص اعتماد تعمیم یافته)"، سعی در نشان دادن تأثیر آموزه‌های اعتقادی، مناسکی و اخلاقی اسلام بر سرمایه اجتماعی مسلمانان در ۴۰ کشور جهان با استفاده از شاخص اعتماد تعمیم یافته و روش رگرسیون حداقل مربعات معمولی دارند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شاخص‌های اعتقادی و اخلاقی اسلام، تأثیر مثبت و معناداری بر سرمایه اجتماعی

مسلمانان دارد، اما شاخص‌های ظاهری (مناسکی) اسلام، تأثیر منفی و معناداری بر سرمایه اجتماعی آنها داشته است. توصیه سیاستی این پژوهش، برنامه‌ریزی برای گسترش آموزه‌های اعتقادی و اخلاقی اسلام در بین مسلمانان در کنار مناسک و اعمال مذهبی و زمینه‌سازی برای گسترش فعالیت‌های داوطلبانه اجتماعی، به‌عنوان دو راهکار پیشنهادی برای افزایش سرمایه اجتماعی مسلمانان است.

عباس زاده و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "بررسی ارتباط بین اشکال سرمایه و شادی در بین حاشیه‌نشینان و غیر حاشیه‌نشینان"، به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و اقتصادی با میزان شادی در بین افراد ساکن در نواحی حاشیه‌ای و غیرحاشیه‌ای شهرها پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین سرمایه اجتماعی و شادی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به‌عبارت‌دیگر، با افزایش میزان سرمایه اجتماعی، میزان شادی هم در بین حاشیه‌نشینان و غیرحاشیه‌نشینان بالا می‌رود. همچنین نشان می‌دهند که سرمایه اقتصادی رابطه مستقیم و معناداری با شادی دارد، هرچند شدت این رابطه ضعیف است.

قلی‌زاده چمتویی و داوودپور (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان "تحلیل همبستگی بین سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی با درجه توسعه‌یافتگی شهرها" به تبیین تأثیری که سرمایه اجتماعی بر توسعه‌یافتگی شهرها می‌گذارد، در دو شهر قزوین و الوند، می‌پردازند. هدف از این مطالعه سنجش و ارزیابی رابطه پایداری اجتماعی با توسعه‌یافتگی شهرهاست. از بین شاخص‌های استخراجی از طریق تحلیل محتوا شاخص‌هایی استخراج شد و از طریق اطلاعات آماری و اسنادی از سازمان‌های مربوطه و در راستای آن با تحلیل پرسشنامه‌ها از طریق نرم‌افزارهای Spss و Excel با آزمون‌های آماری مربوطه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. در این پژوهش مشاهده شد که از نظر ابعاد سرمایه اجتماعی، شهر الوند وضعیت مطلوب‌تری نسبت به قزوین دارد، اما از نظر شاخص‌های کمی توسعه‌یافتگی، شهر الوند در مقایسه با قزوین، در سطح پایین‌تری قرار دارد. همچنین با وجود سرمایه اجتماعی قوی‌تر در شهر الوند

نسبت به قزوین، به علت عدم وجود خدمات و امکانات مطلوب، گرفتن خدمات از شهر قزوین و وجود سرمایه‌های اجتماعی درون‌گروهی قوی‌تر نسبت به برون‌گروهی، توسعه‌یافتگی شهر الوند در مقایسه با شهر قزوین کمتر بوده است.

رمضانی و شبانی شهرضا (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی نظریات سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار اجتماعی" ضمن بیان سه عنصر توسعه شهری شامل عناصر اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی بیان می‌کنند که در بین این سه عامل توسعه پایدار شهری، عامل اجتماعی از دو عنصر دیگر مهم‌تر است، زیرا این عامل می‌تواند باعث سازندگی یا تخریب دو عنصر دیگر باشد. پس ناپایداری اجتماعی می‌تواند به ناپایداری اقتصادی و محیطی منجر گردد. نتایج این تحقیق بیانگر این است که سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار اجتماعی، یک رابطه دوطرفه و مثبت با یکدیگر دارند، که به این معناست که اگر سطح سرمایه اجتماعی بالا باشد، سریع‌تر به توسعه پایدار می‌رسیم و همین‌طور اگر برنامه‌های ما در توسعه پایدار اجتماعی، درست پیش رود، از سطح بالایی از سرمایه اجتماعی در نسل‌های آینده برخوردار خواهیم بود.

- مطالعات خارجی

پاتنام (۱۹۹۳) در پژوهشی، سرمایه اجتماعی برون‌گروهی را به‌عنوان پل ارتباطی گروه‌های اجتماعی گوناگون تعریف می‌کند، درحالی‌که سرمایه اجتماعی درون‌گروهی تنها گروه‌های همجنس را پیوند می‌دهد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، سرمایه اجتماعی برون‌گروهی اثر مثبت بر رشد و سرمایه اجتماعی درون‌گروهی تأثیر منفی بر معاشرت‌پذیری اجتماعی دارد.

کلمن^۱ (۱۹۸۸) معتقد است که ایدئولوژی می‌تواند با تحمیل این خواست به فرد که به سود چیزی یا کسی غیر خودش عمل کند، سرمایه اجتماعی به‌وجود آورد و این

جربانی از سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن ... ۱۰۳

امر در ایدئولوژی‌های بیشتر آشکار می‌شود. او همچنین عوامل ساخت سرمایه اجتماعی را به چهار دسته عوامل نهادی، عوامل خودجوش، عوامل بیرونی و عوامل طبیعی تقسیم می‌کند و منظور از عوامل بیرونی را هنجارهایی می‌داند که از جایی غیر از همان اجتماعی که به‌کار رفته سرچشمه می‌گیرد و عواملی مانند دین و مذهب، ایدئولوژی و فرهنگ جزء این گروه هستند.

دی پاسکول و گلیسر (۱۹۹۹) با مطالعه مقطعی ۵۴ ایالت در اروپا، رابطه بین سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی را برای دوره زمانی ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۰ بررسی کردند. بر اساس نتایج، رابطه معناداری بین رشد اقتصادی محله‌ها و اعضای فعال گروه‌ها وجود داشته است.

گلیسر و همکاران^۱ (۲۰۰۰) در مقاله‌ای با عنوان "رویکردی اقتصادی به سرمایه اجتماعی"، با استفاده از مدل سرمایه‌گذاری استاندارد اقتصادی، الگوهای انباشت سرمایه اجتماعی را طراحی کردند و نتایج خود را به‌صورت زیر مطرح کردند:

- (الف) سرمایه اجتماعی با بالا رفتن سن، کاهش می‌یابد.
- (ب) سرمایه اجتماعی در مشاغلی با توانایی‌های برتر اجتماعی، افزایش می‌یابد.
- (ج) سرمایه اجتماعی در بین مالکین، بیشتر است.
- (د) روابط اجتماعی با افزایش فواصل فیزیکی به‌شدت کاهش می‌یابد.
- (ه) مردمی که در سرمایه انسانی سرمایه‌گذاری می‌کنند، در سرمایه اجتماعی هم سرمایه‌گذاری می‌کنند.

راپاسینقا و گوتز^۲ (۲۰۰۸) به بررسی نقش عناصر مختلف سرمایه اجتماعی در رشد اقتصادی برای نمونه‌ای از ۸۵ منطقه اروپایی در دوره زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۵ می‌پردازند. این پژوهش، سه شاخص سرمایه اجتماعی شامل: اعتماد اجتماعی، همبستگی و هنجارهای اجتماعی را تحلیل می‌کند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که دو

1. Glaeser et al
2. Rupasingha & Goetz

مورد اعتماد اجتماعی و همبستگی ممکن است پیامدهای رشد منطقه‌ای داشته باشند، درحالی‌که هنجارهای اجتماعی، پیش‌بینی‌کننده ضعیفی برای رشد هستند. بارتولینی و همکاران^۱ (۲۰۱۰) با استفاده از داده‌های سطح کلان، در همه کشورهای درحال توسعه و توسعه‌یافته که مطالعات سری‌های زمانی طولانی‌مدت از سرمایه اجتماعی امکان‌پذیر بود، به این نتیجه رسیدند که جریان‌های سرمایه اجتماعی، پیش‌بینی‌کننده‌های قوی‌ای برای فرایندهای طولانی‌مدت از بهزیستی ذهنی هستند. کریستوفورو^۲ (۲۰۰۶) به بررسی تشکیل سرمایه اجتماعی از طریق سرمایه انسانی و تأثیر آن بر رشد اقتصادی می‌پردازد. در این مطالعه ابتدا با واردکردن سرمایه‌های سه‌گانه فیزیکی، انسانی و اجتماعی، در تابع تولید و بررسی تأثیرشان بر رشد، به توضیح اثرات متقابل هر یک بر دیگری می‌پردازد. سپس با مطالعه مقطعی ۶۳ کشور، به این نتیجه می‌رسد که سرمایه اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی این کشورها داشته است.

با بررسی مطالعات داخلی و خارجی این نتیجه بدست آمد که در اکثر مطالعات رابطه بین سرمایه اجتماعی، سرمایه انسانی، سرمایه فیزیکی و نیروی کار با رشد اقتصادی، مثبت است. در اکثر پژوهش‌های انجام‌شده برای سنجش سرمایه اجتماعی از یک یا چند شاخص همچون اعتماد، تعداد شکایات و میزان جرم استفاده‌شده است، بااین‌حال در پژوهش حاضر از مجموعه کاملی از شاخص‌ها برای سنجش سرمایه اجتماعی استفاده‌شده است. همچنین از آنجاکه سرمایه اجتماعی وضعیتی ساختاری است که مستقیماً قابل مشاهده نیست و انتظار می‌رود متغیرهای قابل مشاهده متعددی را تحت تأثیر قرار دهد، در این پژوهش ۹ عامل که بیشترین تأثیر را بر سرمایه اجتماعی می‌گذارند و نشانگرهایی قوی برای پیش‌بینی و اندازه‌گیری کمی سطح سرمایه اجتماعی مناطق مختلف هستند، معرفی شده‌اند که یکی از نقاط تمایز این تحقیق نسبت

1. Bartolini et al
2. Christoforou

جربانی از سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن ... ۱۰۵

به سایر مطالعات صورت گرفته، است. همچنین بررسی عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی از جمله حضور همزمان سرمایه اجتماعی و انسانی در قالب مدل‌های مختلف نیز، یکی از نوآوری‌های پژوهش فعلی است.

روش پژوهش

در این تحقیق برای تبیین رشد اقتصادی، از تابع تولید کاب داگلاس استفاده می‌شود که در آن رشد اقتصادی تابعی از سرمایه فیزیکی، نیروی کار، سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی است. این پژوهش از منظر الگویی از نوع الگوی مقطعی است که در استان‌های ایران و در سال ۱۳۹۴ در قالب دو مدل رشد اقتصادی و تولید سرمایه اجتماعی برآورد شده است. در این پژوهش به منظور بررسی مدل رشد اقتصادی از معادله زیر استفاده می‌شود:

$$Y_i = AL_i^{\beta_1} K_i^{\beta_2} H_i^{\beta_3} SC_i^{\beta_4} e^{\mu_i} \quad (2)$$

با گرفتن لگاریتم از دو طرف معادله فوق داریم:

$$\log Y_i = \log A + \beta_1 \log L_i + \beta_2 \log K_i + \beta_3 \log H_i + \beta_4 \log SC_i + \mu_i \quad (3)$$

که در آن H سرمایه انسانی، K سرمایه فیزیکی، SC سرمایه اجتماعی، L نیروی کار و Y رشد اقتصادی است. روند سرمایه اجتماعی در ایران نشان‌دهنده آن است که در سال‌هایی که جرم زیاد بوده سرمایه اجتماعی کاهش پیدا کرده و در سال‌هایی که میزان ارتکاب جرم کم بوده، میزان سرمایه اجتماعی در سطح بالایی قرار داشته است. همچنین در سال‌هایی که واحدهای فرهنگی افزایش یافته موجب افزایش سرمایه اجتماعی شده و اثر کاهشی جرم را خنثی کرده است. به‌طورکلی جرم اثر منفی و واحدهای فرهنگی اثر مثبت بر سرمایه اجتماعی دارند.

سرمایه اجتماعی عمدتاً مبتنی بر عوامل فرهنگی و اجتماعی است. وجوه گوناگون پیوندها، همکاری، اعتماد متقابل و ارتباطات میان اعضای یک شبکه، موجب تحقق

اهداف اعضا می‌شود. علاوه بر این سرمایه اجتماعی برای برنامه‌های توسعه توفیق آفرین است. وجود سرمایه اجتماعی، بستر مناسبی برای بهره‌وری سرمایه انسانی و فیزیکی است و برعکس نبود سرمایه اجتماعی، اثربخشی سایر سرمایه‌ها را در دستیابی به توسعه منتفی می‌کند و بدون سرمایه اجتماعی، طی کردن راه‌های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی، ناهموار و مشکل می‌شود. پذیرش این مفهوم به‌عنوان یک نوع سرمایه در سطح مدیریت کلان توسعه کشورها می‌تواند شناخت جدیدی از سیستم‌های اقتصادی - اجتماعی ایجاد کرده و دولتمردان را در هدایت بهتر جامعه به سمت توسعه یاری رساند.

برای سنجش سرمایه اجتماعی در این پژوهش، از داده‌های سرمایه اجتماعی اندازه‌گیری شده توسط عبداللهی و موسوی (۱۳۸۶) استفاده شده است. در مقاله یادشده بر مبنای چارچوب مفهومی به‌دست‌آمده از مرور دیدگاه‌های نظری و منابع تجربی موجود، مفهوم پیچیده و چند وجهی سرمایه اجتماعی بر اساس صفات اصلی خود، متمایز از عوامل و پیامدهایش به‌صورت زیر تعریف شده است: "سرمایه اجتماعی آن نوع شبکه‌ای از روابط و پیوندهای مبتنی بر اعتماد اجتماعی بین فردی و بین گروهی و تعاملات افراد با نهادها، سازمان‌ها و گروه‌های اجتماعی است که قرین همبستگی و انسجام اجتماعی و برخورداری افراد و گروه‌ها از حمایت و انرژی لازم برای تسهیل کنش‌ها در جهت تحقق اهداف فردی و جمعی می‌باشد".

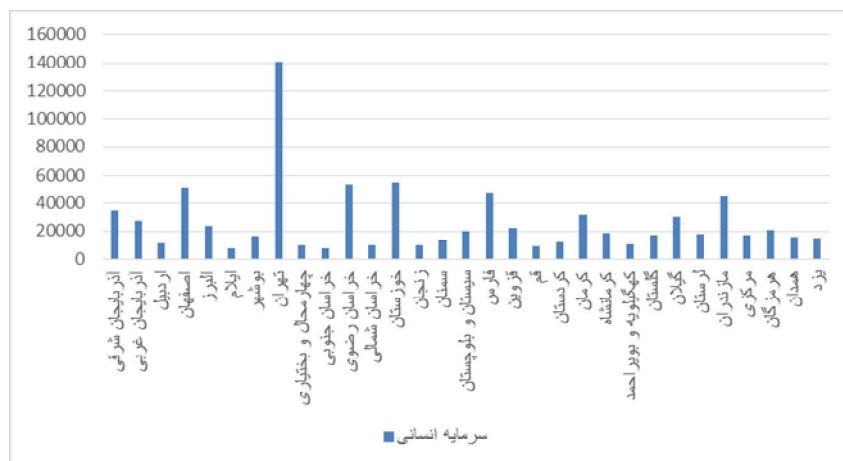
بر اساس صفات یا مؤلفه‌های اصلی مورد توجه در تعریف مفهومی سرمایه اجتماعی، شاخص‌ها و معرف‌های عدیده‌ای مطرح و پس از ارزیابی اعتبار صوری آنها از طریق کسب نظرات استادان در مورد میزان ارتباط و پیوستگی بین معرف‌ها، شاخص‌ها و مؤلفه‌ها و سه بار پیش‌آزمون و سنجش پایایی و همبستگی درونی، معرف‌های هر یک از شاخص‌ها از طریق محاسبه آلفای کرونباخ در نهایت با بهره‌گیری از تکنیک تحلیل عاملی، مقیاسی چند وجهی برخوردار از روایی محتوایی و پایایی

بسیار بالا و معنی‌داری در سطح عالی به دست آمد که در مقایسه با آنچه تا کنون در منابع و متون سرمایه اجتماعی مطرح شده است، مناسب‌تر به نظر می‌رسد. همچنین برای سنجش نیروی کار و سرمایه فیزیکی به ترتیب از مرکز آمار ایران (۱۳۹۴) و بانک مرکزی (۱۳۹۴) استفاده شده است. برای اندازه‌گیری سرمایه انسانی شاخص‌های متعددی از قبیل ارزش پولی یا میزان سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی، نرخ کل ثبت نام مدارس، آمار ثبت نام از کلاس اول تا هشتم، ثبت نام در دبیرستان، ثبت نام در دانشگاه، سرمایه‌گذاری در آموزش رسمی، سرمایه‌گذاری در آموزش رسمی از کلاس اول تا هشتم و سرمایه‌گذاری در آموزش رسمی در دبیرستان و سرمایه‌گذاری در آموزش رسمی در دانشگاه استفاده می‌شود. در این تحقیق از تعداد کل دانشجویان به ازای هر هزار نفر به‌عنوان شاخص سرمایه انسانی استفاده شده است.

تجزیه و تحلیل نتایج

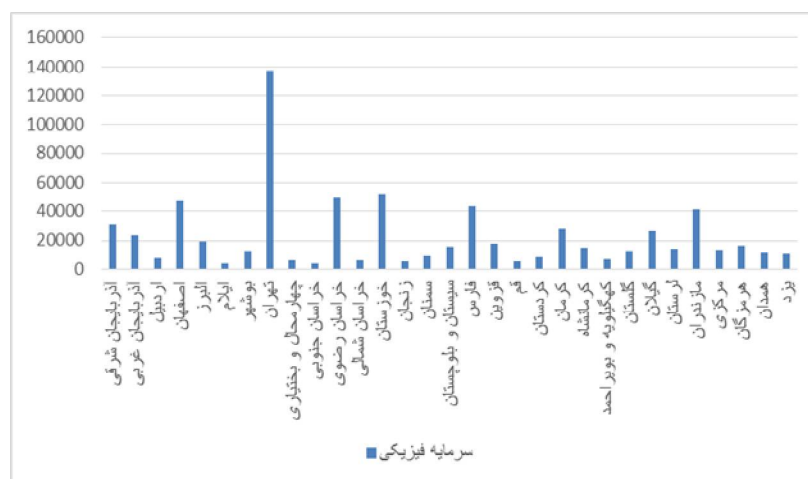
- بررسی متغیرهای تحقیق

در این بخش ابتدا به‌صورت نموداری، متغیرهای تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نمودار ۱ متغیر سرمایه اجتماعی برای استان‌های ایران ترسیم شده است. همان‌گونه که در این نمودار ملاحظه می‌شود، تهران با مقدار ۱۴۱۱۰۵ نفر، رتبه اول و خراسان جنوبی با مقدار ۷۷۵۳ نفر رتبه آخر سرمایه انسانی را در بین استان‌های کشور دارا است. پنج استان تهران، خوزستان، اصفهان، خراسان رضوی و فارس به ترتیب دارای بالاترین مقدار سرمایه انسانی و استان‌های خراسان جنوبی، ایلام، قم، زنجان و چهارمحال و بختیاری به ترتیب دارای کمترین مقدار سرمایه انسانی هستند.



نمودار ۱- سرمایه انسانی استان‌های ایران در سال ۱۳۹۴ (نفر)

منبع: مرکز آمار ایران

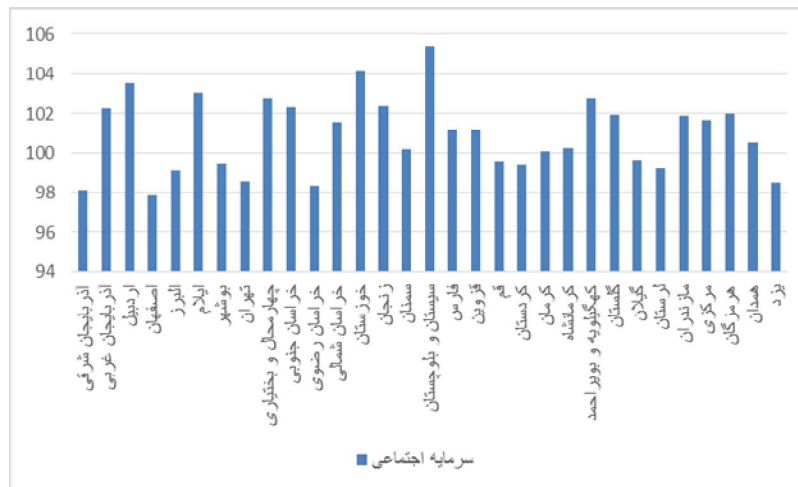


نمودار ۲- سرمایه فیزیکی استان‌های ایران در سال ۱۳۹۴ (میلیارد ریال)

منبع: مرکز آمار ایران

با توجه به نمودار ۲، تهران رتبه اول و خراسان شمالی رتبه آخر را از منظر سرمایه فیزیکی در بین استان‌های کشور دارا می‌باشند.

جربانی از سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن ... ۱۰۹



نمودار ۳- شاخص سرمایه اجتماعی استان‌های ایران در سال ۱۳۹۴ (درصد)

منبع: مرکز آمار ایران

با توجه به نمودار ۳، سیستان و بلوچستان رتبه اول و اصفهان رتبه آخر سرمایه

اجتماعی در بین استان‌های کشور را دارا می‌باشند.



نمودار ۴- رشد اقتصادی استان‌های ایران در سال ۱۳۹۴ (درصد)

منبع: مرکز آمار ایران

با توجه به نمودار ۴، چهارم‌حال و بختیاری، رتبه اول و خوزستان رتبه آخر رشد اقتصادی در بین استان‌های کشور را دارا هستند.

– برآورد مدل سرمایه اجتماعی

برای بررسی و تخمین عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی در سطح استانی، از مدل راپاسینقا و همکاران^۱ (۲۰۰۶) به صورت زیر استفاده شده است:

$$sc_i = \alpha_0 + \alpha_1 Ra_i + \alpha_2 Ln_i + \alpha_3 E_i + \alpha_4 At_i + \alpha_5 fa_i + \alpha_6 Ag_i + \alpha_7 Sz_i + \alpha_8 Em_i + \alpha_9 Hs_i + \alpha_{10} Chr_i + \mu_i \quad (4)$$

که در آن sc سرمایه اجتماعی، Ra تنوع قومی، Ln نابرابری درآمد، E متغیر کیفی آموزش، At پیوستگی و اتحاد، fa ازدواج و تشکیل خانواده Ag سن، Sz وضعیت سکونت از لحاظ شهری، روستایی یا حومه، Em نسبت مشاغل وابسته به ساخت و ساز، حرفه‌ای، کشاورزی، بازرگانی و خدماتی، Hs مالکیت خانه و Chr میزان مشارکت زنان در نیروی کار را نشان می‌دهد. برای تخمین عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی شاخصی از ۹ عامل با عنوان شاخص کل (Ti) ایجاد و در چهار حالت مختلف محاسبه شده است. شاخص کل به صورت میانگین وزنی متغیرهای تحقیق تشکیل می‌شود.

در حالت اول فرض بر این است که رابطه منفی مشارکت زنان در نیروی کار، نابرابری توزیع درآمد، مهاجرت، حومه‌نشینی، اشتغال در بخش کشاورزی و افزایش سن بر سرمایه اجتماعی و در مقابل اثرگذاری مثبت آموزش، مالکیت خانه، ازدواج و اشتغال در بخش‌های خدماتی و صنعتی بود که نتایج حاکی از بی‌معنا شدن مدل در این حالت است.

در حالت دوم فرض بر این است که نابرابری توزیع درآمد، مهاجرت، حومه‌نشینی و اشتغال در بخش کشاورزی بر سرمایه اجتماعی اثر منفی داشته است و در

مقابل آموزش، افزایش سن، مالکیت خانه، مشارکت زنان در نیروی کار، ازدواج و اشتغال در بخش‌های خدماتی و صنعتی، رابطه مثبتی با سرمایه اجتماعی دارند که نتایج حاکی از معنادار نشدن تخمین مدل در این حالت است.

در حالت سوم فرض بر این است که نابرابری توزیع درآمد، مهاجرت، حومه نشینی و اشتغال در بخش کشاورزی و اشتغال زنان در نیروی کار بر سرمایه اجتماعی تأثیر منفی و در مقابل آموزش، افزایش سن، مالکیت خانه، ازدواج و اشتغال در بخش‌های خدماتی و صنعتی تأثیری مثبت بر سرمایه اجتماعی دارند که در این حالت نیز نتایج حاکی از بی‌معنا شدن مدل است.

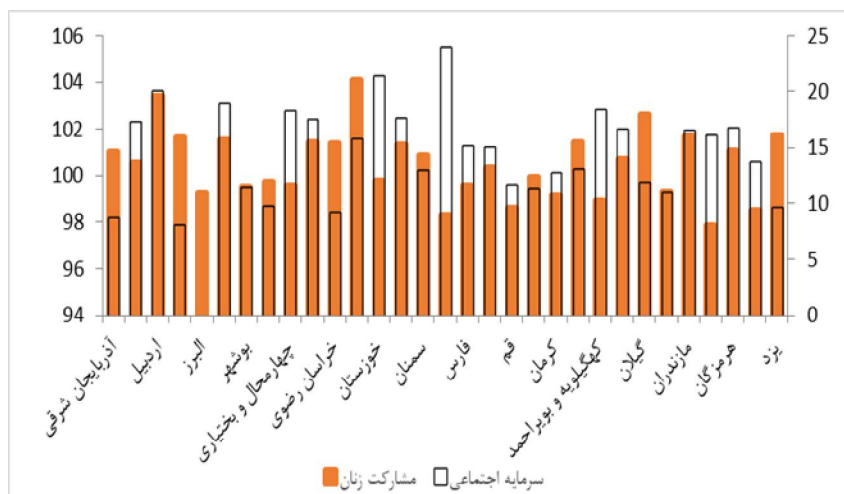
در حالت چهارم با فرض مثبت قرار دادن رابطه آموزش، مشارکت زنان در جامعه، مالکیت خانه، اشتغال در بخش صنعتی - خدماتی و ازدواج با سرمایه اجتماعی و منفی فرض کردن تأثیر سایر عوامل، تخمین مدل معنادار و فرض چهارم تأیید می‌شود.

در نتیجه می‌توان گفت که از بین ۹ عامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی، سن و اشتغال در بخش کشاورزی، حومه‌نشینی، نابرابری توزیع درآمد و مهاجرت تأثیر معنادار و منفی بر سرمایه اجتماعی دارند در حالی که، آموزش، مشارکت زنان در نیروی کار، اشتغال در بخش صنعت و خدمات، مالکیت خانه و تشکیل خانواده، تأثیر مثبت و معنادار بر سرمایه اجتماعی دارند.

جدول ۱- همبستگی بین سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن

متغیر	LnSC	LnTi
LnSC	۱	۰/۱۳۵۳۸۱
LnTi	۰/۱۳۵۳۸۱	۱

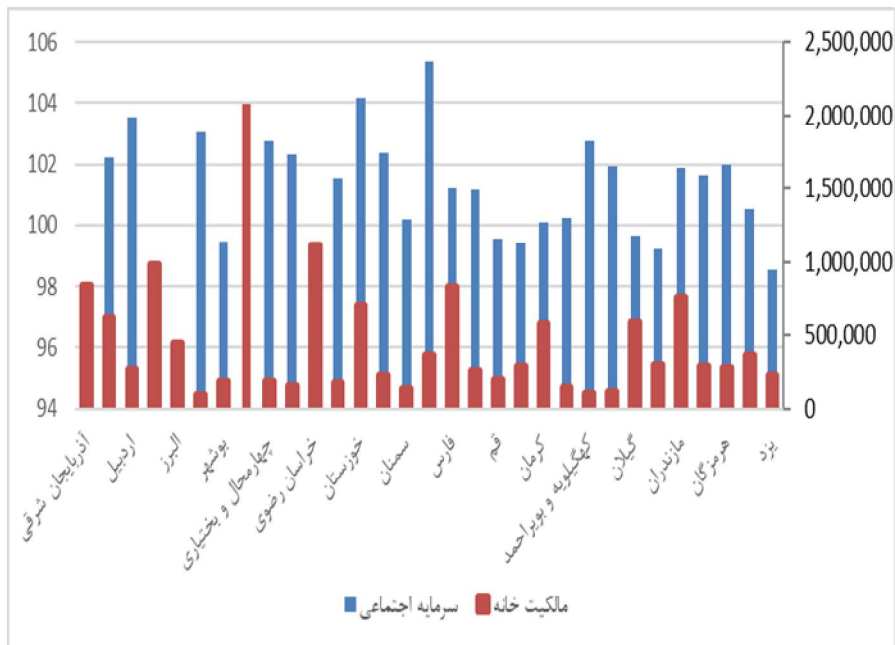
منبع: یافته‌های پژوهش



نمودار ۵- مقایسه سرمایه اجتماعی و میزان مشارکت زنان در نیروی کار (نفر)

منبع: مرکز آمار ایران و نتایج پژوهش

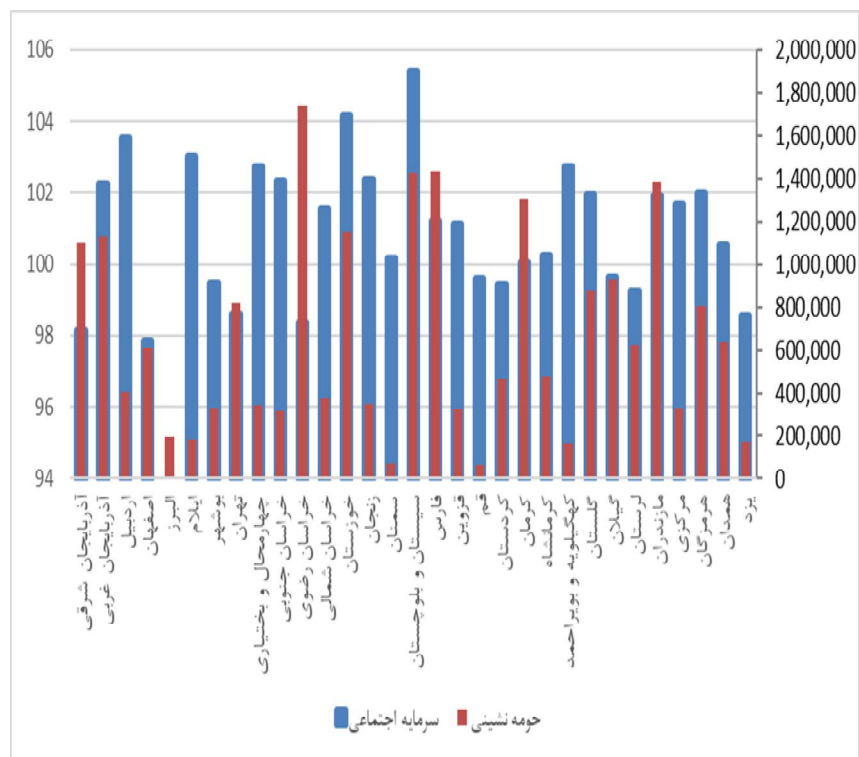
با توجه به یافته‌های پژوهش بالاترین سطح مشارکت زنان به ترتیب متعلق به پنج استان خراسان شمالی، اردبیل، گیلان، یزد و مازندران است و کمترین میزان مشارکت نیز از بین ۳۱ استان کشور، به ترتیب متعلق به کهگیلویه و بویراحمد، قم، همدان، سیستان و بلوچستان و مرکزی می‌باشد. در بین ۱۴ استان دارای بالاترین سطح سرمایه اجتماعی، ۷ استان برتر از نظر مشارکت زنان در نیروی کار دیده می‌شوند.



نمودار ۶- مقایسه سرمایه اجتماعی و میزان مالکیت خانه (خانوار)

منبع: مرکز آمار ایران و نتایج پژوهش

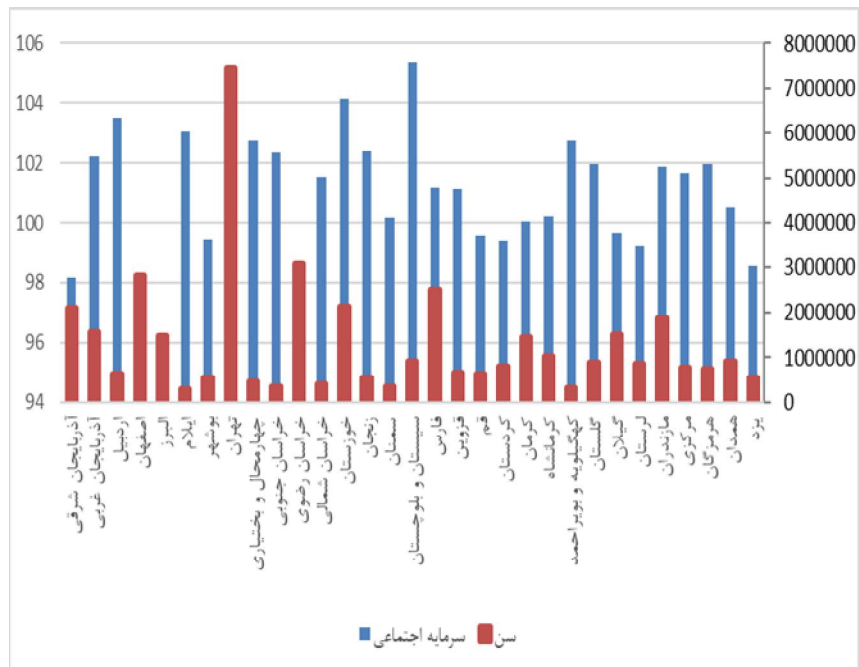
با توجه به یافته‌های پژوهش بالاترین سطح مالکیت خانه به ترتیب متعلق به پنج استان تهران، خراسان رضوی، اصفهان، آذربایجان شرقی و فارس می‌باشد و کمترین میزان مشارکت نیز از بین ۳۱ استان کشور، به ترتیب متعلق به استان ایلام، کهگیلویه و بویر احمد، سمنان، خراسان جنوبی و خراسان شمالی می‌باشد. در بین ۱۴ استان دارای بالاترین سطح سرمایه اجتماعی، ۴ استان برتر از نظر مالکیت خانه دیده می‌شوند.



نمودار ۷- مقایسه سرمایه اجتماعی و میزان حومه نشینی (نفر)

منبع: مرکز آمار ایران و نتایج پژوهش

با توجه به یافته‌های پژوهش بالاترین سطح حومه‌نشینی به ترتیب متعلق به پنج استان خراسان رضوی، فارس، سیستان و بلوچستان و مازندران می‌باشد و کمترین میزان حومه نشینی نیز از بین ۳۱ استان کشور، به ترتیب متعلق به قم، سمنان، کهگیلویه و بویر احمد، یزد و ایلام می‌باشد. در بین ۱۴ استان دارای بالاترین سطح سرمایه اجتماعی، ۶ استان دارای بیشترین سطح حومه نشینی دیده می‌شوند.



نمودار ۸- مقایسه سرمایه اجتماعی و افزایش سن (نفر)

منبع: مرکز آمار ایران و نتایج پژوهش

با توجه به یافته‌های پژوهش بیشترین آمار تعداد جمعیت بالاتر از ۳۰ سال به ترتیب متعلق به پنج استان تهران، خراسان رضوی، اصفهان، فارس و خوزستان می‌باشد و کمترین میزان سن نیز از بین ۳۱ استان کشور، به ترتیب متعلق به خراسان شمالی، سمنان، خراسان جنوبی، کهگیلویه و بویر احمد و ایلام می‌باشد. در بین ۱۴ استان دارای بالاترین سطح سرمایه اجتماعی، ۳ استان با بیشترین جمعیت بالاتر از ۳۰ سال دیده می‌شوند.

نمودار ارتباط سن و سرمایه اجتماعی، حرکتی همسو را برای این دو متغیر نشان می‌دهد به گونه‌ای که در غالب استان‌ها، سطح بالای سرمایه اجتماعی در مقابل سطح پایینی از افزایش سن قرار دارد و تأیید کننده رابطه منفی این دو متغیر است.

- برآورد مدل رشد اقتصادی

تخمین مدل رشد اقتصادی در قالب تابع کاب داگلاس، در سه مرحله صورت گرفت: در مرحله نخست، مدل با توجه به معادله (۳) تخمین زده شده است. نتایج به‌دست‌آمده از تخمین در این مرحله در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲- ارتباط خطی متغیرهای توضیح دهنده رشد اقتصادی

متغیر	ضرایب	مقدار احتمال
LnL	-۰/۰۳	۰/۰۵
LnH	-۰/۰۰۸	۰/۸۷
LnK	۰/۹۲	۰/۰۰
LnSC	۰/۱۳	۰/۸۴
عرض از مبدأ	۲/۴۱	۰/۴۷

منبع: نتایج پژوهش

ضریب نیروی کار و سرمایه انسانی برابر با $-۰/۰۳$ و $-۰/۰۰۸$ است، که بیانگر رابطه منفی نیروی کار و سرمایه انسانی با رشد اقتصادی است که این رابطه در مورد متغیر نیروی کار معنادار و در مورد سرمایه انسانی غیرمعنادار است. ضریب سرمایه فیزیکی برابر با $۰/۹۲$ است، که نشان‌دهنده رابطه مثبت و معنادار سرمایه فیزیکی و رشد اقتصادی است. همچنین ضریب سرمایه اجتماعی برابر $۰/۱۳$ است که معنادار نیست. در مرحله دوم با توجه به تعریف سرمایه انسانی (سرمایه انسانی آن بخش از نیروی کار می‌باشد که آموزش دیده و کارا است) متغیرهای سرمایه انسانی و نیروی کار را در هم ضرب کرده تا آن بخش از نیروی کار آموزش دیده استخراج شده و در مقابل رشد اقتصادی قرار گیرد. نتایج در جدول ۳ نشان داده شده است.

با توجه به جدول ۳ مشخص است که مقدار ضریب نیروی کار در این مرحله برابر با $0/30$ - است، که بیانگر رابطه معنادار و منفی نیروی کار و رشد اقتصادی است. ضریب متغیر سرمایه انسانی نیز برابر با $0/37$ - است که بیانگر ارتباط معنادار و منفی سرمایه انسانی و رشد اقتصادی است. ضریب سرمایه فیزیکی در این مرحله نیز همانند مرحله قبل مثبت و معنادار است و اثرگذاری مثبت سرمایه فیزیکی بر رشد اقتصادی را تأیید می‌کند. ضریب سرمایه اجتماعی همانند مرحله اول مثبت و غیرمعنادار است. با لحاظ کردن عبارت حاصل ضریبی نیروی کار و سرمایه اجتماعی در مرحله دوم تخمین، مشاهده می‌شود که برخلاف تخمین جداگانه نیروی کار و سرمایه انسانی، مقدار ضریب برای عبارت حاصل ضریبی نیروی کار و سرمایه انسانی برابر با $0/02$ شده است که معنادار نیز می‌باشد.

جدول ۳- ارتباط غیرخطی بین متغیرهای توضیح دهنده رشد اقتصادی با در نظر گرفتن عبارت

حاصل ضریبی نیروی کار و سرمایه انسانی

متغیر	ضرایب	مقدار احتمال
LnL	$-0/30$	$0/01$
LnH	$-0/37$	$0/04$
LnK	$0/92$	$0/00$
LnSC	$0/23$	$0/72$
LnL*LnH	$0/02$	$0/03$
عرض از مبدأ	$6/14$	$0/09$

منبع: نتایج پژوهش

در مرحله سوم، حاصل ضرب سرمایه اجتماعی و نیروی کار نیز به‌عنوان یک متغیر توضیحی به مدل اضافه شده است. نتایج در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴- ارتباط غیرخطی متغیرهای توضیح دهنده رشد اقتصادی با در نظر گرفتن عبارت‌های حاصل ضربی نیروی کار- سرمایه انسانی و نیروی کار- سرمایه اجتماعی

متغیر	ضرایب	مقدار احتمال
LnL	-۱۱/۶۷	۰/۰۷
LnH	-۰/۷۹	۰/۰۰۸
LnK	۰/۸۹	۰/۰۰
LnSC	-۳۳/۰۴	۰/۰۸
LnL*LnH	۰/۰۶	۰/۰۰۸
LnL*LnSC	۲/۳۸	۰/۰۷
عرض از مبدأ	۱۶۴/۵۶	۰/۰۷

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج جدول ۴ ضریب نیروی کار منفی و معنادار است. همانطور که نتایج نشان می‌دهد با اضافه کردن عبارت حاصل ضرب نیروی کار و سرمایه انسانی این متغیر اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی می‌گذارد که حکایت از تأثیرگذاری مثبت نیروی کار آموزش دیده بر رشد اقتصادی دارد. تحلیل مشابهی برای سرمایه اجتماعی می‌توان ارائه داد. به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی زمانی تأثیر مثبت دارد که برنامه‌ریزی شده باشد. ضریب برآورد شده برای متغیر سرمایه اجتماعی برنامه‌ریزی شده حکایت از شدت اثرگذاری بیشتر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی نسبت به سایر انواع سرمایه‌های دیگر دارد. مقدار ضریب سرمایه انسانی نیز حکایت از تأثیر مثبت این متغیر بر رشد اقتصادی دارد. همچنین ضریب سرمایه فیزیکی نیز نتایج پژوهش‌های پیشین را تأیید کرده و اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارد.

بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

- بحث

هدف از این پژوهش بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی، انسانی، فیزیکی و نیروی کار با رشد اقتصادی و همچنین بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی است. به این منظور ابتدا با استفاده از تابع تولید کاب-داگلاس مدلی خطی برای نشان دادن ارتباط این عوامل با رشد اقتصادی طراحی و سپس به بیان مبانی نظری متغیرهای مستقل و وابسته مدل پرداخته شده است. همچنین نظریه‌های مطرح در باب چیستی سرمایه اجتماعی و نحوه سنجش سرمایه اجتماعی بیان شد و در نهایت مدلی خطی از ۹ عامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی ارائه گردید. در این پژوهش یکی کامل‌ترین طرح‌های سنجش سرمایه اجتماعی در مدل مورد استفاده قرار گرفت.

- نتیجه‌گیری

نتایج تخمین تابع تولید کاب-داگلاس حکایت از تأثیر مثبت سرمایه اجتماعی، انسانی، فیزیکی و نیروی کار بر رشد اقتصادی دارد. همچنین در بین عوامل یادشده سرمایه اجتماعی نسبت به سایر عوامل اثر بیشتری را بر رشد اقتصادی نشان می‌دهد. عبارت‌های حاصلضربی سرمایه اجتماعی و نیروی کار و همچنین سرمایه انسانی و نیروی کار از نتایج تخمین مدل کاب-داگلاس مثبت و معنادار است. همچنین از بین عوامل گفته شده ضریب سرمایه اجتماعی آموزش دیده نسبت به سایر عوامل بیشتر است. برای پیش‌بینی و برنامه‌ریزی آتی در جهت بهبود و افزایش سطح سرمایه اجتماعی، به محاسبه مدل سرمایه اجتماعی پرداخته شده است که از بین ۹ عامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی، سن و اشتغال در بخش کشاورزی، حومه‌نشینی، نابرابری توزیع درآمد و مهاجرت تأثیر معنادار و منفی بر سرمایه اجتماعی دارند، درحالی‌که آموزش، مشارکت زنان در نیروی کار، اشتغال در بخش صنعت و خدمات، مالکیت خانه و

۱۲۰ فصلنامه علمی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۳، تابستان ۱۳۹۹

تشکیل خانواده تأثیر مثبت و معناداری بر سرمایه اجتماعی نشان می‌دهند. بنابراین با توجه به نتایج بدست آمده می‌توان گفت که:

- سرمایه اجتماعی آموزش دیده اثر مثبت و معناداری بر روی رشد اقتصادی در استان‌های ایران دارد؛

- سرمایه فیزیکی اثر مثبت و معناداری بر روی رشد اقتصادی در استان‌های ایران دارد؛

- سرمایه انسانی آموزش دیده اثر مثبت و معناداری بر روی رشد اقتصادی در استان‌های ایران دارد.

همچنین در رابطه با عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی نتایج زیر بدست آمد:

- افزایش سن، نابرابری توزیع درآمد، حومه نشینی، اشتغال در بخش کشاورزی و مهاجرت، سبب کاهش سرمایه اجتماعی می‌شوند.

- افزایش آموزش، مشارکت زنان در نیروی کار، مالکیت خانه، تشکیل خانواده و اشتغال در مشاغل صنعتی و خدماتی سبب افزایش سرمایه اجتماعی می‌شوند.

- پیشنهادها

با توجه به نتایج به دست آمده، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- طراحی و تدوین شاخص‌های سنجش سرمایه اجتماعی در ایران توسط نهادهای فرا قوه‌ای؛

- بودجه‌بندی مجلس برای بهبود و ارتقاء سرمایه اجتماعی؛

- پیش‌بینی سرمایه اجتماعی استان‌ها با توجه به عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی مطرح شده در پژوهش حاضر و چاره‌اندیشی برای بهبود آن در استان‌هایی با سطح پایین سرمایه اجتماعی.

همچنین با توجه به اهمیت موضوع سرمایه اجتماعی پیشنهاد می‌شود سایر پژوهشگران برای ادامه مسیر پژوهش‌های موجود، به مسائل زیر توجه کنند:

جربانی از سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن ... ۱۲۱

- بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر توسعه بازارهای مالی کشور؛
- بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر ثبات مالی بانکها در سطح کشوری و استانی؛
- بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و هزینه‌هایی که دولت برای افزایش و گسترش ارزش‌های دینی مردم صرف می‌کند.

منابع

- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۴)، داده‌های سالانه رشد اقتصادی، ایران، تهران.
- تاج‌بخش، کیان؛ تقفی، مراد و کوهستانی‌نژاد، مسعود. (۱۳۸۲)، "سرمایه اجتماعی و سیاست‌های اجتماعی (بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران امروز)"، *فصلنامه رفاه اجتماعی (ویژه‌نامه سیاست اجتماعی)*، سال ۳، شماره ۱۰: ۱۵۵-۲۰۰.
- رضایی بروجنی، امید و شبانی شهرضا، امیرحسین. (۱۳۹۶)، "بررسی نظریات سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار شهری"، *سومین کنفرانس سالانه بین‌المللی عمران، معماری و شهرسازی*، شیراز، مؤسسه عالی علوم و فناوری خوارزمی.
- https://www.civilica.com/Paper-ICAUC03-ICAUC03_045.html
- رنایی، محسن و مؤید فر، رزیتا. (۱۳۸۷)، "سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی: بررسی مقایسه‌ای استان‌های ایران"، *فرایند مدیریت و توسعه*، سال ۲۱، شماره ۲ و ۳: ۷۹-۱۰۶.
- سوری، علی و مهرگان، نادر. (۱۳۸۶)، "نقش سرمایه اجتماعی در تشکیل سرمایه انسانی"، *پژوهشنامه بازرگانی*، سال ۱۱، شماره ۴۲: ۲۰۷-۲۱۹.
- شربتیان، محمدحسن و ایمنی، نفیسه. (۱۳۹۶)، "تحلیل جامعه‌شناختی رابطه سرمایه اجتماعی با سلامت اجتماعی زنان"، *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، سال ۸، شماره ۳۰: ۱۴۱-۱۰۵.
- قلی‌زاده چمتویی، فریبا و داوود پور، زهره. (۱۳۹۶)، "تحلیل همبستگی بین سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی با درجه توسعه‌یافتگی شهرها (نمونه موردی: شهر الوند و شهر قزوین)"، *چهارمین کنفرانس ملی معماری و شهرسازی پایدار و تاب‌آوری از آرمان تا واقعیت*، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد واحد قزوین
- https://www.civilica.com/Paper-CBEAUI04-CBEAUI04_065.html
- خادم‌علیزاده، امیر و افسری، علی. (۱۳۹۵)، "تأثیر آموزه‌های اعتقادی و اخلاقی اسلام بر سرمایه اجتماعی مسلمانان جهان (با تأکید بر شاخص اعتماد تعمیم‌یافته)"، *پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، سال ۶، شماره ۲۳: ۴۵-۵۸.
- عباس‌زاده، محمد؛ قاسم‌زاده، داوود و صالح، نوشین. (۱۳۹۵)، "بررسی ارتباط بین اشکال سرمایه و شادی در بین حاشیه‌نشینان و غیر حاشیه‌نشینان (مورد مطالعه: شهر تبریز)"، *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، سال ۷، شماره ۲۹: ۱۸۵-۱۵۷.

جربانی از سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن ... ۱۲۳

- علمی، زهرا؛ شارع پور، محمود و حسینی، سید امیر حسین. (۱۳۸۴). "سرمایه اجتماعی و چگونگی تأثیر آن بر اقتصاد"، *فصلنامه تحقیقات اقتصادی*، سال ۴۰، شماره ۴: ۲۹۶-۲۳۹.

- عبداللهی، محمد و موسوی، میرطاهر (۱۳۸۶). "سرمایه اجتماعی در ایران، وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان‌شناسی گذار"، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال ۶، شماره ۲۵: ۲۳۴-۱۹۵.

- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۴). سرشماری نفوس و مسکن.

- موسوی، سید نعمت‌اله و زارعی، صمد. (۱۳۹۵). "نقش محیط زیست و سرمایه اجتماعی در رشد اقتصادی ایران"، *اقتصاد کشاورزی*، سال ۱۱، شماره ۱: ۲۰۹-۱۸۵.

- Alesina, A. and La Ferrara, E. (2000). "Participation in heterogeneous communities." *Quarterly Journal of Economics*, 115, 847-904.
- Alesina, A., Baqir, R. and Easterly, W. (1999). "Public goods and ethnic divisions." *Quarterly Journal of Economics*, 114, 1243-1284.
- Bartolini, S., Bilancini, E., and Sarracino, F. (2009). "**Sociability predicts happiness: World-wide evidence from time series.**" Department of Economics University of Siena 579, Department of Economics, University of Siena.
- Christoforou, A. (2006). "Social capital, economic growth and human development: an empirical investigation across European countries." *In Annual Meeting of the Human Development and Capability Association, Freedom and Justice*, University of Groningen, Groningen, The Netherlands.
- Christoforou, A. (2010). "Social capital and human development: an empirical investigation across European countries." *Journal of Institutional Economics*, 6(2), 191-214.
- Coleman, J.S. (1988). "Social capital in the creation of human capital." *American Journal of Sociology*, 94, S95-S120.
- DiPasquale, D. and Glaeser, E.L. (1999). "Incentives and social capital: are homeowner's better citizens?" *Journal of Urban Economics*, 45, 354-384.
- Elkin, F. (1956). "SEELEY, SIM, and LOOSLEY. Crestwood Heights: A Study of the Culture of Suburban Life (Book Review)." *Social Forces*, 35(1), 284.
- Glaeser, E. L., Laibson, D. I., Scheinkman, J. A., and Soutter, C. L. (2000). "Measuring trust." *The quarterly journal of economics*, 115(3), 811-846.

- Glaeser, E., Scheinkman, J., and Shleifer, A. (2003), "The Injustice of Inequality". *Journal of Monetary Economics*, 50(2), 199-222.
- Glaeser, E. L., and Scheinkman, J. (2000). "*Non-market interactions (No. w8053)*." National Bureau of Economic Research.
- Hanifan, L. J. (1916). "*Evening classes for West Virginia elementary schools*." Charleston, WV, Department of Free Schools.
- Homans, G. C., and Behavior, S. (1961). "Its elementary forms." *Social Behavior*, 119 (3), 488-531.
- Jacobs, J. (1961). "*The death and life of great American cities*." New York: Vintage.
- Putnam, R. D. (1993). "What makes democracy work?" *National Civic Review*, 82(2), 101-107.
- Putnam, R. D. (1995). "Tuning in, tuning out: The strange disappearance of social capital in America." *PS: Political science & politics*, 28(4), 664-683.
- Rupasingha, A., and Goetz, S. J. (2008). "*US county-level social capital data, 1990-2005*." The northeast regional center for rural development, Penn State University, University Park, PA.
- Rupasingha, A., Goetz, S. J., and Freshwater, D. (2006). "The production of social capital in US counties." *The journal of socio-economics*, 35(1), 83-101.
- Schiff, S. (1999). "Littleton, then and now." *New York Times*, 4, 22.
- Silverman, B. (1935). "The behaviour of children from broken homes." *American Journal of Orthopsychiatry*, 5(1), 11.